

تحلیل رویکردهای نوین در یادگیری مشارکتی و تأثیر آن بر توسعه مهارت‌های اجتماعی

۱. لیلا شمس‌الدین پور*: دانشکده روانشناسی تربیتی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

چکیده

این مقاله به بررسی تأثیر رویکردهای نوین در یادگیری مشارکتی بر توسعه مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان می‌پردازد. یادگیری مشارکتی که با مشارکت فعال گروهی و حل مسائل جمعی شناخته می‌شود، به‌طور قابل توجهی به بهبود مهارت‌های اجتماعی نظیر ارتباط مؤثر، کار تیمی، حل مسئله و همدلی کمک می‌کند. در این مطالعه، چندین استراتژی نوآورانه از جمله یادگیری مبتنی بر پروژه، یادگیری مبتنی بر مسئله، یادگیری آنلاین و یادگیری ترکیبی به‌طور انتقادی تحلیل شده‌اند. از طریق مرور ادبیات و بررسی مطالعات تجربی مرتبط، مقاله نشان می‌دهد که این رویکردها نه تنها نتایج تحصیلی را بهبود می‌بخشند بلکه نقش مهمی در توسعه مهارت‌های اجتماعی نیز ایفا می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر رویکرد با مزایای منحصر به فردی همراه است، از جمله تقویت تفکر انتقادی و همکاری، اما چالش‌هایی نیز مانند نیاز به منابع کافی و حمایت‌های مستمر وجود دارد. مقاله با ارائه پیشنهاداتی برای تحقیقات آینده به منظور بررسی اثرات بلندمدت یادگیری مشارکتی بر مهارت‌های اجتماعی و راهکارهایی برای بهینه‌سازی اجرای آن در محیط‌های آموزشی مختلف به پایان می‌رسد.

واژگان کلیدی: یادگیری مشارکتی، مهارت‌های اجتماعی، یادگیری مبتنی بر پروژه، یادگیری مبتنی بر مسئله، یادگیری ترکیبی،

یادگیری آنلاین

مقدمه

در دنیای امروز، یادگیری مشارکتی به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین و مؤثر در حوزه آموزش و پرورش شناخته می‌شود. این رویکرد به دلیل توانمندی‌های خاص خود در ارتقای کیفیت یادگیری و توسعه مهارت‌های اجتماعی، توجه بسیاری از پژوهشگران و متخصصان آموزشی را به خود جلب کرده است (Johnson, Johnson, & Smith, 2014). در یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان به‌جای رقابت با یکدیگر، به همکاری و تعامل برای دستیابی به اهداف مشترک می‌پردازند. این نوع یادگیری نه‌تنها به ارتقای مهارت‌های تحصیلی کمک می‌کند، بلکه در توسعه مهارت‌های اجتماعی نظیر ارتباط مؤثر، کار گروهی، و حل مسئله نیز نقش بسزایی دارد (Gillies, 2016).

با توجه به تغییرات گسترده در سیستم‌های آموزشی و نیاز به تربیت افرادی که توانایی تعامل و همکاری در محیط‌های پیچیده و چندوجهی را داشته باشند، اهمیت یادگیری مشارکتی بیش از پیش مشخص شده است. این رویکرد با تکیه بر تعاملات گروهی و استفاده از تجربیات فردی و جمعی، بستری مناسب برای یادگیری عمیق‌تر و توسعه مهارت‌های اجتماعی فراهم می‌کند. مهارت‌های اجتماعی که از طریق یادگیری مشارکتی تقویت می‌شوند، نقش حیاتی در موفقیت فردی و حرفه‌ای دانش‌آموزان دارند و به آنان کمک می‌کنند تا در جامعه به‌عنوان شهروندان مسئول و کارآمد عمل کنند (Slavin, 2015).

یادگیری مشارکتی به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در آموزش، به فرایندی اشاره دارد که در آن دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک به همکاری با یکدیگر برای دستیابی به اهداف مشترک می‌پردازند. این رویکرد بر اساس این فرض بنا شده است که تعاملات گروهی و هم‌افزایی ناشی از کار گروهی، می‌تواند به یادگیری عمیق‌تر و مؤثرتر منجر شود (Dillenbourg, 1999). در این راستا، مهارت‌های اجتماعی به‌عنوان یکی دیگر از مفاهیم کلیدی، شامل توانایی‌هایی نظیر ارتباط مؤثر، کار گروهی، حل مسئله، و همدلی می‌شوند که افراد را قادر می‌سازند تا در تعاملات اجتماعی خود به‌طور مؤثری عمل کنند (Goleman, 2006). رویکردهای نوین در یادگیری مشارکتی نیز به روش‌ها و استراتژی‌هایی اشاره دارند که با استفاده از فناوری‌های جدید و نظریه‌های معاصر آموزشی، به بهبود و توسعه فرایند یادگیری مشارکتی کمک می‌کنند.

تاریخچه یادگیری مشارکتی به دهه‌های گذشته برمی‌گردد، زمانی که پژوهشگران به بررسی تأثیرات مثبت تعاملات گروهی بر فرایند یادگیری پرداختند. یکی از پیشگامان این حوزه، جان دیویی، با تأکید بر اهمیت تجربیات اجتماعی در آموزش، یادگیری را به‌عنوان یک فرایند اجتماعی معرفی کرد (Dewey, 1916). از آن زمان تاکنون، یادگیری مشارکتی به‌عنوان یک رویکرد مؤثر در آموزش شناخته شده و در محیط‌های آموزشی مختلف به کار گرفته شده است. به‌ویژه در دهه‌های اخیر، با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و ظهور نظریه‌های نوین آموزشی، رویکردهای جدیدی در یادگیری مشارکتی پدید آمده‌اند که هدف آن‌ها بهبود فرایند یادگیری و توسعه مهارت‌های اجتماعی است (Johnson & Johnson, 2009).

پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که یادگیری مشارکتی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر توسعه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان داشته باشد. برای مثال، در مطالعه‌ای که توسط گالیس (۲۰۱۶) انجام شد، نتایج نشان داد که دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های یادگیری مشارکتی شرکت می‌کنند، مهارت‌های اجتماعی بالاتری نسبت به سایر دانش‌آموزان دارند. همچنین، اسلاوین (۲۰۱۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که یادگیری مشارکتی می‌تواند به بهبود ارتباطات بین فردی و افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان کمک کند. در ایران نیز پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام شده است. برای مثال، در تحقیقی که توسط محمدی (۱۳۹۷) انجام شد، نتایج نشان داد که استفاده از رویکرد یادگیری مشارکتی در مدارس ابتدایی، به‌طور قابل توجهی مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را بهبود بخشیده است.

هدف اصلی این مقاله بررسی و تحلیل رویکردهای نوین در یادگیری مشارکتی و تأثیر آن‌ها بر توسعه مهارت‌های اجتماعی است. با توجه به اهمیت این موضوع، در این مقاله تلاش خواهد شد تا ضمن بررسی نظریه‌ها و تحقیقات پیشین، رویکردهای نوین یادگیری مشارکتی معرفی و تحلیل شوند. همچنین، تأثیر این رویکردها بر توسعه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا روشن شود که چگونه این رویکردها می‌توانند به بهبود عملکرد اجتماعی و تحصیلی آنان کمک کنند. سوالات پژوهشی که این مقاله سعی در پاسخ به آن‌ها دارد شامل این موارد است: چگونه رویکردهای نوین در یادگیری مشارکتی به توسعه مهارت‌های اجتماعی کمک می‌کنند؟ کدام یک از رویکردهای نوین یادگیری مشارکتی تأثیر بیشتری بر توسعه مهارت‌های اجتماعی دارند؟ چه چالش‌هایی در پیاده‌سازی این رویکردها وجود دارد و چگونه می‌توان آن‌ها را برطرف کرد؟ این سوالات نه تنها به شناخت بهتر این رویکردها کمک می‌کنند بلکه به ارائه راهکارهایی برای بهبود کیفیت یادگیری و توسعه مهارت‌های اجتماعی در محیط‌های آموزشی نیز می‌پردازند.

روش‌شناسی پژوهش

ابتدا، جستجوی گسترده‌ای برای شناسایی مقالات، کتاب‌ها و منابع علمی معتبر مرتبط با یادگیری مشارکتی و تأثیر آن بر مهارت‌های اجتماعی انجام خواهد شد. این جستجو شامل پایگاه‌های داده علمی معتبر داخلی و خارجی و سایر منابع تخصصی در زمینه آموزش و روان‌شناسی است. در این مرحله، معیارهای جستجو به‌دقت تنظیم خواهند شد تا مقالاتی که به بررسی رویکردهای نوین یادگیری مشارکتی و تأثیرات آن بر مهارت‌های اجتماعی می‌پردازند، شناسایی شوند.

پس از جمع‌آوری منابع، فرآیند انتخاب و ارزیابی آن‌ها آغاز می‌شود. مقالات و مطالعات انتخابی بر اساس کیفیت علمی، اعتبار نویسندگان، و میزان ارتباط با موضوع تحقیق مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در این مرحله، به تحلیل محتوی مقالات پرداخته خواهد شد تا به‌طور دقیق رویکردهای نوین یادگیری مشارکتی و تأثیرات آن‌ها بر مهارت‌های اجتماعی شناسایی و دسته‌بندی شوند.

برای تحلیل رویکردهای نوین یادگیری مشارکتی، به بررسی جزئیات مختلفی از جمله ویژگی‌های اصلی هر رویکرد، نحوه اجرا و پیاده‌سازی آن‌ها در محیط‌های آموزشی، و همچنین مزایا و چالش‌های مربوط به هر یک پرداخته خواهد شد. این تحلیل به‌ویژه بر اساس شواهد تجربی و نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌های پیشین صورت می‌گیرد.

در ادامه، تمرکز بر تأثیرات یادگیری مشارکتی بر مهارت‌های اجتماعی خواهد بود. در این بخش، تحلیل‌های توصیفی بر اساس داده‌های موجود انجام می‌شود تا نشان دهد چگونه رویکردهای نوین یادگیری مشارکتی می‌توانند به بهبود مهارت‌هایی مانند ارتباط مؤثر، کار تیمی، حل مسئله، و همدلی کمک کنند. این تحلیل‌ها به‌ویژه با استفاده از نتایج پژوهش‌های کیفی و کمی انجام خواهد شد که به بررسی روابط و اثرات متقابل میان رویکردهای یادگیری مشارکتی و مهارت‌های اجتماعی پرداخته‌اند.

تحلیل رویکردهای نوین در یادگیری مشارکتی

در سال‌های اخیر، رویکردهای نوین در یادگیری مشارکتی به‌طور قابل توجهی توسعه یافته و به کارگیری آن‌ها در محیط‌های آموزشی رشد چشمگیری داشته است. این رویکردها با تکیه بر اصول اساسی یادگیری مشارکتی، مانند تعامل بین دانش‌آموزان و همکاری در انجام وظایف مشترک، به‌طور عمده بر پایه فناوری‌های نوین و نیازهای جدید آموزشی شکل گرفته‌اند. در این بخش، به تحلیل و بررسی برخی از این رویکردها نظیر یادگیری مبتنی بر پروژه، یادگیری مبتنی بر مسئله، یادگیری آنلاین و یادگیری ترکیبی پرداخته می‌شود.

یادگیری مبتنی بر پروژه (PBL) یکی از رویکردهای نوین و پرطرفدار در یادگیری مشارکتی است که در آن دانش‌آموزان از طریق انجام پروژه‌های عملی و مرتبط با دنیای واقعی، مهارت‌های خود را توسعه می‌دهند. در این رویکرد، دانش‌آموزان به‌طور فعال در فرایند یادگیری مشارکت می‌کنند و با همکاری یکدیگر به حل مشکلات و چالش‌های مرتبط با پروژه می‌پردازند (Thomas, 2000). ویژگی کلیدی یادگیری مبتنی بر پروژه این است که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا از طریق تجربه عملی و کار گروهی، مفاهیم نظری را به‌صورت عمیق‌تر و کاربردی‌تر درک کنند. این رویکرد نه‌تنها مهارت‌های اجتماعی نظیر کار تیمی و ارتباط مؤثر را تقویت می‌کند، بلکه به توسعه تفکر انتقادی و توانایی حل مسئله نیز کمک می‌کند (Blumenfeld et al., 1991).

مزایای اصلی یادگیری مبتنی بر پروژه شامل افزایش انگیزه و تعهد دانش‌آموزان، بهبود توانایی‌های خودمختاری و مدیریت زمان، و تقویت مهارت‌های ارتباطی و همکاری است. با این حال، این رویکرد نیز چالش‌هایی دارد. از جمله چالش‌های بالقوه یادگیری مبتنی بر پروژه می‌توان به نیاز به زمان و منابع بیشتر برای اجرای پروژه‌ها، پیچیدگی در ارزیابی عملکرد گروهی، و نیاز به مهارت‌های مدیریتی بالا در دانش‌آموزان و معلمان اشاره کرد (Krajcik & Blumenfeld, 2006).

یادگیری مبتنی بر مسئله (PBL) نیز یکی دیگر از رویکردهای نوین در یادگیری مشارکتی است که تمرکز آن بر حل مسائل واقعی و پیچیده از طریق همکاری گروهی است. در این روش، دانش‌آموزان با مسائل باز و بدون راه‌حل مشخص مواجه می‌شوند و باید با استفاده از تفکر انتقادی و همکاری با سایر اعضای گروه، به تحلیل و حل این مسائل بپردازند (Hmelo-Silver, 2004). ویژگی

کلیدی یادگیری مبتنی بر مسئله این است که دانش‌آموزان را به یادگیرندگانی فعال و خودمحرک تبدیل می‌کند که به‌طور مستقل به جستجوی اطلاعات و یادگیری می‌پردازند. این رویکرد به‌ویژه برای توسعه مهارت‌های پژوهشی و تحلیلی مفید است و به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌های جدید، راه‌حل‌های خلاقانه ارائه دهند (Barrows & Tamblyn, 1980).

مزایای یادگیری مبتنی بر مسئله شامل تقویت تفکر انتقادی، ارتقای توانایی‌های پژوهشی و یادگیری خودمحرور، و توسعه مهارت‌های اجتماعی نظیر کار تیمی و ارتباط مؤثر است. اما این رویکرد نیز با چالش‌هایی مواجه است. از جمله چالش‌های این رویکرد می‌توان به نیاز به حمایت و هدایت معلمان در طول فرایند یادگیری، پیچیدگی در ارزیابی عملکرد فردی و گروهی، و نیاز به منابع و زمان کافی برای اجرای موفقیت‌آمیز پروژه‌ها اشاره کرد (Hmelo-Silver et al., 2007).

یادگیری آنلاین و ترکیبی نیز به‌عنوان دو رویکرد نوین در یادگیری مشارکتی مورد توجه قرار گرفته‌اند. یادگیری آنلاین با استفاده از فناوری‌های دیجیتال، امکان یادگیری در هر زمان و مکان را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند. در این رویکرد، دانش‌آموزان از طریق پلتفرم‌های آموزشی آنلاین به منابع آموزشی دسترسی دارند و می‌توانند با سایر دانش‌آموزان و معلمان در محیط‌های مجازی تعامل داشته باشند (Means et al., 2010). ویژگی کلیدی یادگیری آنلاین این است که انعطاف‌پذیری بیشتری در فرایند یادگیری ایجاد می‌کند و به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا با سرعت خودشان یاد بگیرند. این رویکرد به‌ویژه در شرایطی که یادگیری حضوری ممکن نیست، مانند دوران پاندمی کووید-۱۹، اهمیت بیشتری پیدا کرده است (Bozkurt et al., 2020).

مزایای یادگیری آنلاین شامل دسترسی آسان به منابع آموزشی، انعطاف‌پذیری در زمان و مکان یادگیری، و افزایش فرصت‌های تعامل مجازی است. اما چالش‌های آن شامل نیاز به دسترسی به اینترنت پایدار و دستگاه‌های دیجیتال، کاهش تعاملات حضوری و اجتماعی، و امکان کاهش انگیزه و تمرکز دانش‌آموزان است (Allen & Seaman, 2013).

یادگیری ترکیبی که ترکیبی از یادگیری حضوری و آنلاین است، به‌عنوان یک رویکرد نوین دیگر مورد توجه قرار گرفته است. در این روش، دانش‌آموزان بخشی از یادگیری خود را به‌صورت حضوری و بخشی را به‌صورت آنلاین انجام می‌دهند. ویژگی کلیدی یادگیری ترکیبی این است که از مزایای هر دو روش حضوری و آنلاین بهره‌مند می‌شود و به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا با استفاده از فناوری‌های نوین، تعاملات حضوری خود را تقویت کنند (Garrison & Kanuka, 2004).

مزایای یادگیری ترکیبی شامل انعطاف‌پذیری در زمان و مکان یادگیری، افزایش تعاملات حضوری و مجازی، و بهبود کیفیت یادگیری است. اما این رویکرد نیز با چالش‌هایی همچون نیاز به مهارت‌های مدیریتی بالا برای تنظیم زمان‌بندی یادگیری، پیچیدگی در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی ترکیبی، و نیاز به حمایت‌های فناوری مستمر مواجه است (Vaughan, 2007).

در مجموع، رویکردهای نوین در یادگیری مشارکتی به‌طور قابل توجهی به بهبود فرایند یادگیری و توسعه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کمک می‌کنند. هرچند این رویکردها با چالش‌هایی مواجه هستند، اما با توجه به مزایای قابل توجه آن‌ها، استفاده از این رویکردها در محیط‌های آموزشی رو به گسترش است. برای بهره‌برداری کامل از این رویکردها، لازم است که معلمان و مسئولان

آموزشی با چالش‌های موجود آشنا شده و راهکارهایی برای رفع آن‌ها ارائه دهند تا بتوانند از قابلیت‌های این رویکردها به‌طور کامل استفاده کنند.

تأثیر یادگیری مشارکتی بر توسعه مهارت‌های اجتماعی

یادگیری مشارکتی به‌عنوان یک رویکرد آموزشی با تمرکز بر تعاملات گروهی و هم‌افزایی تجربیات فردی، یکی از موثرترین روش‌ها برای توسعه مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان و دانشجویان شناخته شده است. مهارت‌های اجتماعی به مجموعه‌ای از توانایی‌ها اشاره دارد که افراد را قادر می‌سازد تا در محیط‌های اجتماعی با دیگران به‌طور مؤثر و مناسب تعامل کنند. این مهارت‌ها شامل ارتباط مؤثر، کار تیمی، حل مسئله، و همدلی است که هر یک از این مهارت‌ها در یادگیری مشارکتی به‌طور قابل توجهی تقویت می‌شوند (Goleman, 2006).

ارتباط مؤثر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مهارت‌های اجتماعی در یادگیری مشارکتی، توانایی افراد در انتقال واضح و دقیق پیام‌ها و ایده‌ها به دیگران است. در فرایند یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان مجبور به تبادل نظر، بحث و گفتگو با هم‌گروهی‌های خود هستند. این تعاملات مستمر به تقویت مهارت‌های ارتباطی، از جمله گوش دادن فعال، بیان ایده‌ها، و مدیریت تضادها کمک می‌کند (Johnson & Johnson, 2009). در این راستا، تحقیقات نشان داده است که یادگیری مشارکتی می‌تواند به‌طور چشمگیری مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان را بهبود بخشد (Gillies, 2016).

کار تیمی نیز یکی دیگر از مهارت‌های اجتماعی است که در یادگیری مشارکتی تقویت می‌شود. این مهارت به توانایی کار کردن مؤثر و هماهنگ با دیگران برای دستیابی به اهداف مشترک اشاره دارد. یادگیری مشارکتی دانش‌آموزان را ملزم می‌کند تا وظایف و مسئولیت‌ها را در گروه تقسیم کرده و برای دستیابی به نتایج مشترک همکاری کنند. این فرایند نه‌تنها به افزایش همکاری و هماهنگی بین اعضای گروه کمک می‌کند، بلکه حس مسئولیت‌پذیری و تعهد را نیز در دانش‌آموزان تقویت می‌کند (Slavin, 2015).

حل مسئله یکی دیگر از مهارت‌های کلیدی است که در یادگیری مشارکتی توسعه می‌یابد. این مهارت شامل توانایی تشخیص مشکلات، تحلیل آن‌ها، و یافتن راه‌حل‌های مناسب است. در یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان به‌طور مداوم با چالش‌ها و مسائل پیچیده مواجه می‌شوند که نیازمند تفکر انتقادی و خلاقیت برای حل آن‌هاست. تحقیقات نشان داده است که مشارکت در فعالیت‌های گروهی و پروژه‌های مشترک می‌تواند به توسعه توانایی‌های حل مسئله در دانش‌آموزان کمک کند (Hmelo-Silver, 2004).

همدلی نیز به‌عنوان یکی دیگر از مهارت‌های اجتماعی، توانایی درک و همدردی با احساسات و دیدگاه‌های دیگران است. یادگیری مشارکتی با ایجاد فرصت‌هایی برای تعامل نزدیک بین دانش‌آموزان از زمینه‌های مختلف، به تقویت همدلی و درک متقابل کمک می‌کند. این مهارت به‌ویژه در گروه‌های متنوع فرهنگی و اجتماعی اهمیت پیدا می‌کند و می‌تواند به کاهش تعصبات و افزایش تفاهم و همکاری بین اعضای گروه منجر شود (Johnson & Johnson, 2009).

تحلیل تأثیرات رویکردهای نوین یادگیری مشارکتی بر توسعه مهارت‌های اجتماعی نشان می‌دهد که این رویکردها نه تنها به بهبود مهارت‌های اجتماعی کمک می‌کنند، بلکه این مهارت‌ها را در سطوح بالاتری از تعمق و کاربرد توسعه می‌دهند. برای مثال، یادگیری مبتنی بر پروژه (PBL) با توجه به تمرکز بر همکاری و حل مسائل پیچیده، تأثیر بسزایی در تقویت مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله دارد (Krajcik & Blumenfeld, 2006). در یک مطالعه تجربی انجام شده توسط حسین‌زاده (۱۴۰۰)، نتایج نشان داد که دانش‌آموزانی که در برنامه‌های یادگیری مبتنی بر پروژه شرکت کرده بودند، به‌طور قابل توجهی مهارت‌های ارتباطی و کار تیمی خود را بهبود بخشیدند. همچنین، در مطالعه‌ای دیگر، یادگیری مبتنی بر مسئله (PBL) به‌طور مؤثر به توسعه توانایی‌های حل مسئله و تفکر انتقادی در دانش‌آموزان کمک کرد (Hmelo-Silver, 2004).

همچنین، یادگیری آنلاین و ترکیبی نیز به‌عنوان رویکردهای نوین، تأثیرات مثبتی بر توسعه مهارت‌های اجتماعی داشته‌اند. یادگیری آنلاین با فراهم کردن فرصت‌های تعامل مجازی، می‌تواند به بهبود مهارت‌های ارتباطی و کار تیمی کمک کند، هرچند چالش‌هایی نظیر کاهش تعاملات حضوری و اجتماعی نیز وجود دارد (Bozkurt et al., 2020). از سوی دیگر، یادگیری ترکیبی با ترکیب مزایای یادگیری حضوری و آنلاین، می‌تواند به تعمیق مهارت‌های اجتماعی و بهبود کیفیت یادگیری کمک کند (Garrison & Kanuka, 2004).

شواهد تجربی متعددی نیز نشان‌دهنده تأثیر مثبت یادگیری مشارکتی بر توسعه مهارت‌های اجتماعی است. برای مثال، در پژوهشی که توسط صفری و همکاران (۱۳۹۸) انجام شد، نتایج نشان داد که دانش‌آموزانی که در محیط‌های یادگیری مشارکتی شرکت کرده بودند، به‌طور معناداری در مهارت‌های ارتباطی و همکاری گروهی پیشرفت داشتند. همچنین، مطالعه‌ای دیگر که توسط لی و همکاران (۲۰۲۰) انجام شد، نشان داد که دانش‌آموزانی که در برنامه‌های یادگیری ترکیبی شرکت کرده بودند، در مهارت‌های اجتماعی نظیر همدلی و تفکر انتقادی بهبود چشمگیری داشتند.

به‌طور کلی، شواهد نشان می‌دهد که یادگیری مشارکتی یکی از موثرترین رویکردها برای توسعه مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان و دانشجویان است. با توجه به تأثیرات مثبت این رویکرد، پیشنهاد می‌شود که محیط‌های آموزشی بیشتر از این روش‌ها استفاده کنند تا بتوانند مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را به بهترین نحو تقویت کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل نتایج به‌دست‌آمده از بررسی رویکردهای نوین یادگیری مشارکتی نشان می‌دهد که این رویکردها توانسته‌اند به‌طور موثری مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و دانشجویان را توسعه دهند. در این میان، مهارت‌هایی نظیر ارتباط مؤثر، کار تیمی، حل مسئله و همدلی به‌طور ویژه‌ای تحت تأثیر یادگیری مشارکتی قرار گرفته‌اند. رویکردهای نوین مانند یادگیری مبتنی بر پروژه و یادگیری مبتنی بر مسئله به‌ویژه در تقویت مهارت‌های حل مسئله و کار تیمی مؤثر بوده‌اند. همچنین، یادگیری آنلاین و ترکیبی نیز به‌عنوان روش‌های جدیدتر توانسته‌اند با ترکیب تعاملات حضوری و مجازی، به توسعه مهارت‌های اجتماعی کمک کنند.

نتیجه‌گیری‌های نهایی نشان می‌دهد که یادگیری مشارکتی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار قدرتمند برای توسعه مهارت‌های اجتماعی در محیط‌های آموزشی به کار گرفته شود. این روش نه تنها به بهبود عملکرد تحصیلی کمک می‌کند، بلکه دانش‌آموزان را برای مواجهه با چالش‌های اجتماعی و حرفه‌ای آینده آماده می‌کند. با این حال، چالش‌هایی نظیر نیاز به منابع و زمان کافی برای اجرای موفقیت‌آمیز این رویکردها و همچنین نیاز به حمایت و هدایت مستمر از سوی معلمان وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرند. پیشنهادات برای تحقیقات آینده شامل بررسی تأثیرات بلندمدت یادگیری مشارکتی بر مهارت‌های اجتماعی، ارزیابی تأثیرات این رویکرد در گروه‌های سنی و فرهنگی مختلف، و توسعه راهکارهایی برای غلبه بر چالش‌های موجود در اجرای این روش‌ها است. همچنین، بررسی‌های بیشتر می‌تواند به شناسایی بهترین شیوه‌های ترکیب یادگیری حضوری و آنلاین در جهت توسعه مهارت‌های اجتماعی کمک کند.

منابع

- صفری، م.، و همکاران (۱۳۹۸). تأثیر یادگیری مشارکتی بر توسعه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۲۵(۳)، ۷۵-۹۰.
- حسین‌زاده، ع. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر یادگیری مبتنی بر پروژه بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۶(۲)، ۳۵-۴۷.
- Bozkurt, A., Jung, I., Xiao, J., Vladimirschi, V., Schuwer, R., Egorov, G., ... & Paskevicius, M. (2020). A global outlook to the interruption of education due to COVID-19 pandemic: Navigating in a time of uncertainty and crisis. *Asian Journal of Distance Education*, 15(1), 1-126.
- Garrison, D. R., & Kanuka, H. (2004). Blended learning: Uncovering its transformative potential in higher education. *The Internet and Higher Education*, 7(2), 95-105.
- Gillies, R. M. (2016). Cooperative Learning: Review of Research and Practice. *Australian Journal of Teacher Education*, 41(3), 39-54.
- Goleman, D. (2006). *Social Intelligence: The New Science of Human Relationships*. Bantam Books.
- Hmelo-Silver, C. E. (2004). Problem-based learning: What and how do students learn?. *Educational Psychology Review*, 16(3), 235-266.

Johnson, D. W., & Johnson, R. T. (2009). An Educational Psychology Success Story: Social Interdependence Theory and Cooperative Learning. *Educational Researcher*, 38(5), 365-379.

Krajcik, J. S., & Blumenfeld, P. C. (2006). Project-based learning. In R. K. Sawyer (Ed.), *The Cambridge Handbook of the Learning Sciences* (pp. 317-334). Cambridge University Press.

Slavin, R. E. (2015). Cooperative Learning in Elementary Schools. *Education 3-13*, 43(1), 5-14.

Analysis of Modern Approaches in Cooperative Learning and Their Impact on the Development of Social Skills

1. Leila Shamseddinpour*: Department of Educational Psychology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

Abstract

This article explores the impact of modern approaches in cooperative learning on the development of social skills in students. Cooperative learning, characterized by active group participation and collective problem-solving, is shown to significantly enhance social competencies such as effective communication, teamwork, problem-solving, and empathy. The study critically analyzes several innovative strategies, including project-based learning (PBL), problem-based learning, online learning, and blended learning. Through a review of relevant literature and empirical studies, the article demonstrates how these approaches not only improve academic outcomes but also play a vital role in social skill development. The findings suggest that while each approach offers unique benefits—such as enhanced critical thinking and collaboration—there are also challenges, including the need for adequate resources and support. The article concludes with recommendations for future research to further explore the long-term effects of cooperative learning on social skills and ways to optimize its implementation in diverse educational settings.

Keywords: Cooperative Learning, Social Skills, Project-Based Learning, Problem-Based Learning, Blended Learning, Online Learning
